

## بررسی نقش ترتیب تولد و سبک دلبستگی در وابستگی به مواد مخدر

دکتر احمد برجعلی<sup>۱</sup>

ادیبه برشان<sup>۲</sup>

سمیه درتاج<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۸۹/۳/۴

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۲۵

### چکیده

در این پژوهش به بررسی نقش ترتیب تولد و سبک دلبستگی در وابستگی به مواد مخدر در بین مراجعه کنندگان به کلینیک‌های ترک اعتیاد شهر کرمان پرداخته شده است. نمونه این پژوهش ۱۰۰ نفر مصرف کننده مواد مخدر (۶۰ نفر مرد و ۴۰ نفر زن) و ۱۰۰ نفر (۶۰ نفر مرد و ۴۰ نفر زن) افراد سالمی می‌باشند که در پرسشنامه سلامت روان (GHQ) نمره زیر ۲۳ کسب نموده‌اند.

فرضیات پژوهش با استفاده از پرسشنامه سبک دلبستگی سیمپسون و روش پس رویدادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش با استفاده از آزمون‌های یومان ویتنی و خی‌دو نشان داد که ۷۱ درصد مصرف کنندگان فرزند وسط خانواده بوده و مصرف کنندگان دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا درصد بیشتری از افراد نمونه را نسبت به مصرف کنندگان دارای سبک دلبستگی ایمن به خود اختصاص داده‌اند.

جنسیت تأثیری در تفاوت سبک‌های دلبستگی افراد سالم و مصرف کننده مواد مخدر نداشته، ضمناً بین سبک‌های دلبستگی مصرف کنندگان مواد مخدر و افراد سالم تفاوت معنی داری وجود دارد.

---

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۲- کارشناس ارشد سنجش و اندازه گیری

۳- کارشناس روان شناسی عمومی



واژگان کلیدی: ترتیب تولد؛ سبک دلبستگی؛ پرسشنامه سیمپسون؛ مصرف کنندگان

مواد مخدر؛

### مقدمه

امروزه در جامعه شاهد رشد روزافزون گرایش به مواد مخدر<sup>۱</sup> در بین جوانان، نوجوانان و کودکان در حالی می‌باشیم که در کشورمان تدابیر بسیاری در این خصوص اندیشیده می‌شود و سالانه میلیاردها تومان برای جلوگیری از ورود مواد مخدر و ترک اعتیاد هزینه می‌گردد.

وسایل ارتباط جمعی به شیوه‌های مختلف در آگاه سازی والدین و فرزندانشان از خطرات مواد مخدر نقش دارند. همواره مطالعات بسیاری در خصوص علل گرایش به مواد مخدر و راه‌های جلوگیری از وابستگی به آن انجام شده است و علل گوناگونی چون از هم پاشیدگی خانواده، اعتیاد والدین، فقر مالی و فرهنگی، در دسترس بودن و ... از جمله علل زمینه ساز اعتیاد مشخص شده‌اند.

همانگونه که می‌دانیم علل شخصیتی از دیگر عوامل گرایش به مواد مخدر می‌باشند که در این خصوص نیز تحقیقات زیادی تهیه و تدوین شده است. در این پژوهش به بررسی نقش عواملی چون ترتیب تولد<sup>۲</sup> و نوع دلبستگی<sup>۳</sup> پرداخته و ارزیابی می‌نمائیم که همانطور ترتیب تولد در شکل‌گیری ویژگیهای شخصیتی مؤثر است آیا یکی از عوامل زمینه ساز گرایش به مواد مخدر می‌باشد و آیا نوع دلبستگی (ایمن<sup>۴</sup>، اجتنابی<sup>۵</sup> و دوسوگرا<sup>۶</sup>) در وابستگی به مواد مخدر مؤثر است؟

آلفرد آدلر روانپزشک استرالیایی، هم عصر زیگموند فروید و کارل یونگ بود که بیان کرده است ترتیب تولد بر روی شخصیت تأثیر گذار می‌باشد و بدین ترتیب، بزرگتر و

- 
1. Drug
  2. birth order
  3. Attachment
  4. Secure
  5. Avoidant
  6. Ambivalent



کوچکتر بودن از خواهر و برادرها و قرار گرفتن در معرض نگرشهای متفاوت والدین شرایط کودکی متفاوتی را بوجود می‌آورد که به تعیین شخصیت کمک می‌کند (سالووی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

او عنوان کرد که ترتیب تولد تاثیر ثابتی بر شیوه زندگی (نحوه برخورد همیشگی یک فرد با تکالیف زندگی از جمله دوستی، شغل و عشق) دارد. از جمله نقاط مثبت فرزندان اول این است که ذاتاً فرمانده به دنیا می‌آید و همیشه حق اولویت در هر کاری با آنهاست.

فرزندان اول به دو دسته تقسیم می‌شوند. یا پرورش دهندگان افراد مطیعند و یا متحول کنندگان سلطه‌جویی باشند. معمولاً افرادی ایرادگیر، مشکل‌پسند، دقیق، عاشق توجه به جزئیات، وقت‌شناس، منظم و با کفایتند و از جمله نقاط منفی به بداخلاقی، ترسویی و بی‌احساسی آنها می‌توان اشاره کرد که به خاطر فشاری که به سایرین می‌آورند تهدید کننده و رعب آور نیز هستند.

فرزندان وسط خانواده افرادی خانواده دوستند که دیگران از بودن با آنها لذت می‌برند و شعار آنها آرامش به هر قیمتی است. این افراد آرام و بی‌صدا می‌باشند و شنوندگان خوبی بشمار می‌روند. مهارت زیادی در حل مشکلات دارند و دوست دارند که همه خوشحال باشند.

کم بودن احساس سلطه‌گری آنها نسبت به فرزندان اول و اینکه دوست دارند همه آنها را ستایش کنند از جمله نقاط منفی آنها است. از آنجا که سعی در راضی نگه داشتن همه دارند ممکن است به افرادی وابسته تبدیل شوند. نمی‌توانند خوب تصمیم بگیرند تا جایی که باعث رنجاندن دیگران می‌شوند و برای شکست و اشتباهات دیگران خود را سرزنش می‌کنند.

فرزندان آخر افرادی شاد و سرزنده‌اند که این شادی و سرخوشی را با خود به همه جا می‌برند و دیگران نیز از آنها بهره‌مند می‌شوند. مهارت‌های مردمی آنها بسیار قوی است.

---

1. Sulloway



عاشق این هستند که دیگران را با حرف‌ها و کارهایشان سرگرم کنند. افرادی برون‌گرا هستند که از وجود دیگران انرژی می‌گیرند و از ریسک کردن واهمه‌ای ندارند. زود خسته شدن، واهمه داشتن از طرد شدن و دید غیرواقعی‌شان به روابط که بایستی همیشه خوشی برقرار باشد از نقاط منفی آنهاست.

تک فرزندان افرادی هستند که دنیا را متحول می‌کنند، مرتب و منظم و قابل اطمینان می‌باشند. عاشق واقعیت، افکار و اندیشه‌ها و مسئولیت پذیرند. سرسختی، خشونت شدید، پرتوقع بودن، عدم قبول اشتباهات، انتقادناپذیر و حساس بودن از نقاط منفی آنها بشمار می‌رود (هریس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

با وجود مطالبی که عنوان شده ادعاهای تأثیر ترتیب تولد به شخصیت از حمایت‌های علمی چندانی برخوردار نیستند چرا که دشواری در کنترل عواملی چون اندازه خانواده، متغیرهای جمعیتی و اجتماعی از جمله عواملی می‌باشند که تأثیر ترتیب تولد را مورد سوال قرار می‌دهند (بلمونت<sup>۲</sup> و مارولا<sup>۳</sup>، ۱۹۷۳).

بدین ترتیب، ترتیب تولد عامل اجتماعی تأثیر گذاری بر کودک است که ویژگیهای شخصیتی متفاوتی را پدید می‌آورد. با توجه به اینکه فرزندان وسط نسبت به فرزندان اول و آخر و تک فرزندان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و گرایش و ارتباط با دوستان در آنها نسبت به فرزندان اول و آخر و تک فرزندان بیشتر است، فرض ما بر این است که فرزندان وسط بیشتر در معرض وابستگی به مواد مخدر قرار دارند.

بدون شک یکی از تحولات بسیار مهم در حوزه روان شناسی معاصر نظریه دلبستگی بالبی است که اهمیت نقش تجارب هیجانی اولیه کودک با مراقب خود را در رشد هیجانی و شناختی فرد برجسته می‌سازد (قربانی، ۱۳۸۲).

مفهوم دلبستگی ازیک مفهوم یونانی به نام Storage که نوعی عشق بین والدین و کودک است گرفته شده است. واترز بیان می‌کند که دلبستگی رفتارهایی را شامل می‌شود

- 
1. Harris
  2. Belmont
  3. Marolla



که سبب نزدیکی به نگاره دلبستگی است. این رفتارها شامل توجه داشتن، لمس کردن، نگاه کردن، وابسته بودن و اعتراض به طرد شدگی است.

دلبستگی از نظر بالبی پیوند عاطفی پایداری است که ویژگی آن گرایش به جستجو و حفظ مجاورت با شخص خاص بویژه در زمان استرس است. (شاوور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵، به نقل از بخشی و تیموری، ۱۳۸۶).

مطابق نظریه بالبی (۱۹۸۲-۱۹۶۹) انسان با یک سیستم روانی زیستی به نام سیستم رفتار دلبستگی متولد می‌شود. این سیستم ارزش انطباقی داشته و فرد را به حفظ نزدیکی و همجواری با افراد مهم زندگی یا تصاویر دلبستگی کسانی که کودک می‌تواند در موقعیت‌های تهدید آمیز نزدیک آنها بماند تا شانس او برای سازش یافتگی و بقا افزایش یابد، سوق می‌دهد.

هدف این سیستم در کودک دستیابی به یک احساس ایمنی و حمایت شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با تصویر دلبستگی است. (اینسورث<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹، هازن<sup>۳</sup> و شاوور، ۱۹۹۴؛ شاوور، ۲۰۰۵؛ به نقل از پینز، ۲۰۰۵).

به نظر بالبی برای تأمین سلامت روانی و رشد هیجانی و عاطفی مطلوب کودک، برقراری روابط صمیمی، گرم و رضایت بخش بین کودک و مادرش یا کسی که بطور شایسته‌ای بتواند جانشین وی شود ضروری است. البته دلبستگی تنها محدود به دوران کودکی نیست بلکه در تمام طول زندگی، در پیوندهای عاطفی دیگری چون دوستی‌ها، ازدواج، روابط خویشاوندی باقی می‌ماند. انسانها در هیچ سنی بطور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیستند (مظاهری، ۱۳۷۹).

تفاوت‌های فردی در الگوهای فعال درونی موجب شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی متفاوتی می‌گردد. بررسی اولیه در زمینه سبک‌های دلبستگی از سوی اینسورث و همکاران (۱۹۷۸) انجام گرفت و سه الگوی دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و دلبستگی نا ایمن اضطرابی - دوسوگرا شناسایی شد. افراد با سبک‌های دلبستگی متفاوت راهکارهای

1. Shaver  
2. Ainsworth  
3. Hazen



متفاوتی را برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی بکار می‌برند. براساس مطالعات کوباک<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) سبک‌های دلبستگی با تفاوت‌های نظم بخشی هیجانی در مراحل مختلف زندگی مرتبط است. به عنوان مثال نوجوانان نا ایمن نسبت به دوستان ایمن خود هیجان‌های منفی بیشتر و هیجان‌های مثبت کمتری را در بطن روابط تجربه می‌کنند.

افرادی که از سبک دلبستگی ایمن برخوردارند اغلب نزدیک شدن به دیگران برایشان راحت است و از اتکای او به آنها و یا اتکای آنها به او احساس بدی ندارند و از اینکه دیگران آنها را رها کنند و یا کسی خیلی به آنها نزدیک شود احساس نگرانی می‌کنند. افرادی که دارای سبک دلبستگی اجتنابی می‌باشند، از نزدیکی به دیگران و اعتماد به آنها گریزانند. نمی‌توانند به دیگران اتکا کنند و وقتی کسی خیلی به آنها نزدیک می‌شود، عصبی می‌شوند.

و در نهایت دلبستگان مضطرب و دوسوگرا فکرمی‌کنند دیگران به اندازه‌ای که آنها دوست دارند، تمایل برای نزدیکی به آنها ندارند، اغلب نگرانند که شریکشان دوستشان نداشته و یا نخواهد با آنها بماند (کوباک و همکاران، ۱۹۹۳، به نقل از رضانی، ۱۳۸۶).

بدین ترتیب برطبق مطالبی که عنوان شد فرض ما بر این است که اغلب دلبستگی‌های ناایمن اجتنابی و دوسوگرا، گرایش به مواد مخدر دارند. با اثبات این مطلب و انعطاف پذیری سبک دلبستگی توجه روانشناسان و مشاوران رابه تغییر سبک دلبستگی جلب می‌نماییم. نکته قابل توجه دیگر این می‌باشد که افرادی که در مورد دلبستگی تحقیق نموده‌اند بر این باورند که اشکال دلبستگی در طی زمان و مکان تقریباً ثابت هستند. رفتار دلبستگی سازمان یافته و منسجم است و همچنین انتظار رفتارهای دلبستگی خاص برای افراد خاص منطقی است با این حال بالبی در مورد تغییر دلبستگی بحث کرده، بویژه او تشخیص داد که در مواقع موردنیاز تغییر در الگوها و رفتارهای دلبستگی نه تنها احتمالاً واکنشی است نسبت به حوادث آسیب‌زای خاص بلکه سازگارانه نیز می‌باشد.

محققان روابط معناداری بین مراقبت و تغییر طبقه دلبستگی یافته‌اند، برای مثال ایگلند و اسروف (۱۹۸۱) گزارش کرده‌اند، که کودکانی که به قدر کافی مراقبت دریافت نمی‌کنند

1. Kobak



به سبک دلبستگی اجتنابی تمایل دارند. بعلاوه وقتی کودکان در تجارب مراقبتی خود یک فرد حمایت کننده را در کنار خود داشته باشند (مانند مادر بزرگ یا مادر) و حوادث استرس‌زای کمتری را در زندگی تجربه کنند، به سبک ایمن گرایش پیدا می‌کنند.

### پیشینه پژوهش

در اواخر دهه ۱۹۹۴ پژوهش بر روی دلبستگی بزرگسالان به یکی از اصلی‌ترین و گسترده‌ترین موضوعات پژوهشی تبدیل شده است به شکلی که مطالعات دلبستگی یکی از وسیع‌ترین، عمیق‌ترین و خلاقانه‌ترین خطوط پژوهشی در روانشناسی قرن بیستم تلقی می‌شود (کسیدی و شاور، ۱۹۹۹).

اصول نظریه دلبستگی بر ده اصل مهم بنا گردیده: ۱- دلبستگی یک نیروی برانگیزاننده ذاتی است. تلاش برای جستجو و حفظ تماس با افراد مهم زندگی یک قاعده اولیه و ذاتی بشر است. ۲- دلبستگی ایمن مکمل خود مختاری است. دلبستگی ایمن منجر به وجود آمدن خودمختاری و اعتماد به نفس در فرد می‌شود. ۳- دلبستگی پناهگاهی امن را برای فرد مهیا می‌سازد. مظاهر دلبستگی معمولاً شامل والدین، فرزندان، همسر یا معشوق می‌شود. ۴- دلبستگی اساس ایمنی را فراهم می‌سازد. هنگامی که در روابط احساس امنیت وجود داشته باشد افراد بهتر می‌توانند دست نیاز به سوی دیگران دراز و از آنها حمایت کرده و با تعارض و استرس به گونه‌ای مثبت مواجه شوند. ۵- در دسترس بودن و پاسخگو بودن روابط را می‌سازد. در دسترس بودن و پاسخگویی عاطفی، بلوک‌های سازنده روابط ایمن هستند. ۶- ترس و تردید نیازهای دلبستگی را فعال می‌سازد. تمایل به ارتباط با شخص مورد علاقه، ابتدایی‌ترین میل عاطفی فرد است. دلبستگی به افراد کلیدی زندگی، مقابله‌ای ابتدایی با احساس درماندگی و پوچی است (مک فارلان و وندر کالک، ۱۹۹۶ ص ۲۴، به نقل از بهرامی و همکاران، ۱۳۸۷). ۷- فرایند اضطراب جدایی قابل پیش بینی است. بالبی (۱۹۸۰، ۱۹۷۳، ۱۹۶۹) خشم را در روابط نزدیک به عنوان تلاشی برای ایجاد ارتباط با مظاهر دلبستگی، دور از دسترس در نظر گرفت و بین خشم امیدوارانه و خشم ناشی از ناامیدی که در فرد احساس یأس و ناتوانی ایجاد می‌کند تمایز قائل شد. ۸- تعداد محدودی از اشکال



نایمن اشتغال عاطفی را می‌توان شناسایی کرد، شیوه‌های مواجهه با عدم پاسخدهی عاطفی مظاهر دلبستگی در افراد بشر محدود است ۹- دلبستگی مدل‌های کاربردی خود و دیگران را شامل می‌شود. مدل‌ها، اهداف، باورها و راهبردها را شامل شده و به سختی به وسیله هیجان برانگیخته می‌شود. ۱۰- تنهایی و فقدان، آسیب‌های ذاتی هستند. نظریه دلبستگی به توصیف و تشریح آسیب، محرومیت، فقدان، طرد و ترک از جانب افرادی که به بیشترین تماس و نزدیکی با آنها نیازمندیم، می‌پردازد.

نظریه دلبستگی دیدگاه التقاطی است. نظریه دلبستگی یک نظریه سیستمی است که بر رفتار موجود در بافت و الگوهای ارتباطی متمرکز است (کویاک و دوملر، ۱۹۹۴، اردمن و کافری، ۲۰۰۲ به نقل از بهرامی و همکاران، ۱۳۸۷). این نظریه دیدگاه تکاملی داشته و کار خود را با پرداختن به سیستم کنترل به عنوان سیستم حفظ مجاورت و رابطه مراقبتی بین حمایت کنندگان اولیه و کودکان آغاز می‌کند (بالبی ۱۹۸۸ به نقل از بهرامی و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین نظریه دلبستگی را می‌توان به عنوان یک نظریه پویایی فردی در نظر گرفت که بر مدل‌های درونی و شیوه‌های ادراک دیگران متمرکز است (هولمز ۱۹۹۶)، حتی اگر دلبستگی را به عنوان شیوه تفکری که با ارتباط دلبستگی کلیدی با والدین مرتبط است در نظر بگیریم باز هم می‌توان آن را با الگوهای بین فردی مرتبط دانست. فوناکی و همکارانش (فوناکی ۱۹۹۱ استیل و استیل) در بخشی از پژوهش سحرانگیزشان دریافتند که شیوه تفکر زنان پیرامون دلبستگی در زمان بارداری می‌تواند رفتارهای دلبستگی فرزندانشان در ۱۲ ماهگی را پیش بینی کند. در همین راستا پژوهش‌هایی در ایران انجام شده است که به شرح ذیل می‌باشند:

پژوهشی با عنوان «رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرانی‌های مربوطه به وزن در دختران نوجوان شهرستان شیراز» توسط ساره بهزادی پور با راهنمایی دکتر شهلا پاکدامن و استاد مشاور، دکتر محمدعلی بشارت در سال ۱۳۸۴ انجام شده است در این پژوهش ۳۲۲ نفر از بین دانش‌آموزان دختر ۱۷-۱۵ سال دبیرستانهای شهر شیراز شرکت داشتند و از پرسشنامه‌های دلبستگی بزرگسالان هازان و شاور (AAQ) ۱۹۹۳، پرسشنامه نگرانیهای





مربوط به وزن کیلن (WCS) و پرسشنامه افسردگی بک (BDI) استفاده شده است. نتایج بدست آمده عبارتند:

- ۱- دختران دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا در مقایسه با دختران دارای سبک دلبستگی ایمن نگرانی مربوط به وزن بیشتری دارند.
- ۲- تعامل سبک دلبستگی دختران نوجوان و شاخص توده بدنی آنها بر میزان نگرانی مربوط به وزنشان اثر معنی داری ندارد.
- ۳- بین میانگین نمرات نگرانی مربوط به وزن افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا تفاوت معنی داری وجود ندارد.

در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در بین دانشجویان» ۱۰۸ نفر دانشجوی دختر (۶۵ نفر) و پسر (۴۳ نفر) از دانشگاه تربیت معلم تهران شرکت داشتند. ابزارهای پژوهشی را مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (AAS) و مقیاس رگه فراخلفی (TMMS) تشکیل می‌دادند. نتایج تحقیق نشان داده است که دلبستگی ایمن با تمایز و بازسازی یا مدیریت هیجانی رابطه مستقیم و سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا با دو مؤلفه تمایز و بازسازی هیجانی رابطه معکوس دارد.

«بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با ویژگی‌های شخصیتی» عنوان پژوهشی است که توسط سعید تیموری و ابراهیم بخشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل داده اند. نمونه پژوهش متشکل از ۱۲۰ دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) که بصورت تصادفی انتخاب و با پرسشنامه دلبستگی بزرگسال کولنیزورید (RAA) و پرسشنامه شخصیت NEO-FFI ارزشیابی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با برون‌گرایی در دختران، بین سبک دلبستگی مضطرب یا مقاوم با نوروگرایی در دختران، بین سبک دلبستگی مضطرب یا مقاوم با توافق در دختران و بین سبک دلبستگی مضطرب یا مقاوم با نوروگرایی در پسران رابطه معناداری وجود دارد. بین دیگر سبک‌های دلبستگی با ویژگی‌های شخصیتی رابطه معنی داری وجود نداشت. آنچه از یافته‌های این پژوهش بدست آمده است این است که خانواده در دوران کودکی فرزندان در شکل دادن به هویت و



دلبستگی ایمن آنها نقش تعیین کننده‌ای دارد. بطوری که والدین یا مراقبت کننده کودک از طریق تعاملات و رفتارهای مناسب بر کودکان تأثیر می‌گذارند.

پژوهش «رابطه بین خودپنداره و ترتیب تولد در دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه ریاضی و تجربی نظام جدید در سال تحصیلی ۷۷-۷۸ در شهر مشهد» توسط سودابه سعیدی به راهنمایی باقر ثنای ذاکر انجام شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه ریاضی و تجربی در شهر مشهد در سال تحصیلی ۷۷-۷۸ می‌باشد که از میان آنها ۳۷۹ نفر براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، آزمون خود پنداره راجرز و روش تحقیق علی - مقایسه‌ای بوده است. نتایج این تحقیق به شرح ذیل است:

۱- فرزندان اول و آخر از خودپنداره مثبت و فرزند وسط از خودپنداره منفی برخوردار می‌باشد.

۲- کلیه فرزندان خانواده‌های سه فرزندی خود پنداره مثبت تری نسبت به فرزندان خانواده‌های ۵ نفری دارند.

۳- بین سطح خود پنداره دانش‌آوزان متعلق به خانواده‌های سه و پنج فرزندی بر حسب ترتیب تولد آنها تفاوت وجود ندارد.

پژوهش دیگری با عنوان «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پیش دانشگاهی شهر یزد» توسط محبوبه وفائیان در سال ۱۳۸۵ انجام شده است. در این پژوهش ۱۳۵ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر دوره پیش دانشگاهی (۷۳ دختر و ۶۲ پسر) انتخاب و به پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازن و شاور (۱۹۸۷) و همچنین پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی وایتزمن (۱۹۷۶) و پرسشنامه جمعیت شناختی پاسخ داده‌اند. نتایج نشان داده است که بین مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی با الگوهای دلبستگی آنها رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی هرچه نمرات دانش‌آموزان در سبک ایمن افزایش می‌یافت بر مهارت‌های اجتماعی آنان نیز افزوده می‌شد و از سویی با افزایش نمرات سبک‌های اجتنابی و دو سوگرا از نمره‌های مهارت‌های اجتماعی



کاسته می‌شد. علاوه بر این، نتایج نشان داده است که بین سبک‌های دلبستگی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود داشته، به این ترتیب که دختران در سبک دلبستگی ایمن و پسران در سبک‌های اجتنابی و دو سوگرا نمرات بیشتری کسب نموده‌اند. در بررسی متغیرهای دموگرافیک بین سن دانش‌آموزان، سن والدین، میزان تحصیلات والدین و ترتیب تولد با میزان مهارت‌های اجتماعی رابطه معناداری مشاهده گردید.

### هدف پژوهش

با پیشینه گفته شد در این پژوهش برآنیم تا بررسی کنیم آیا دو متغیر ترتیب تولد و نوع دلبستگی می‌توانند از دیگر عوامل تأثیرگذار در گرایش به مواد مخدر باشند و به عبارتی خانواده‌ها بایستی این دو متغیر را مد نظر داشته باشند تا از گرایش فرزندانشان به مواد مخدر جلوگیری بعمل آورند.

### فرضیات پژوهش

با پیشینه گفته شده چنین به نظر می‌رسد که دلبستگی با ویژگیهای شخصیتی، پیامدهای هیجانی و نگرانیهای روانی رابطه دارد. بدین ترتیب در این پژوهش برآنیم تا فرضیات زیر را بیازماییم:

- ۱- ترتیب تولد در گرایش به مواد مخدر تأثیرگذار است.
- ۲- سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی از عوامل تأثیرگذار در گرایش به مواد مخدر است.
- ۳- سبک دلبستگی ناایمن دو سوگرا از عوامل تأثیرگذار در گرایش به مواد مخدر است.
- ۴- بین سبک‌های دلبستگی مصرف‌کنندگان مواد مخدر زن و مرد تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- بین سبک‌های دلبستگی مردان و زنان سالم تفاوت معناداری وجود دارد.



۶- بین سبکهای دلبستگی مصرف کنندگان مواد مخدر و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش شناسی

روش این پژوهش توصیفی و پس‌رویدادی است. جامعه پژوهش دربرگیرنده افراد مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر کرمان می‌باشد. برای نمونه پژوهش از بین کلینیک‌های ترک اعتیاد، ۴ کلینیک را با در نظر گرفتن مناطق شهری به طور تصادفی انتخاب و ۱۰۰ نفر (۶۰ نفر مرد و ۴۰ نفر زن) از مراجعه کنندگان این مراکز به پرسشنامه مدنظر پاسخ دادند. میانگین سنی پاسخ دهندگان مرد برابر ۲۶/۹۵ سال و میانگین سنی پاسخ دهندگان زن برابر ۲۸ سال بدست آمد.

نمونه کنترل شامل ۱۰۰ نفر، ۶۰ نفر مرد بامیانگین سنی ۲۶ سال و ۴۰ زن بامیانگین سنی ۲۷ سال بودند. که به طور تصادفی از نمونه در دسترس بعد از کسب نمره زیر ۲۳ در آزمون سلامت روان انتخاب شدند.

### ابزار اندازه گیری

در این پژوهش از پرسشنامه دلبستگی سیمپسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) به منظور اندازه‌گیری سبکهای دلبستگی استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۳ آیتم یا سؤال و یکی از آزمونهای معتبر می‌باشد که هر سؤال آن براساس مقیاس ۷ گزینه‌ای لیکرت<sup>۲</sup> نمره‌گذاری می‌شود. گزینه‌ها عبارتند از بسیار موافقم (۷)، موافقم (۶)، اندکی موافقم (۵)، نه موافقم و نه مخالفم (۴)، اندکی مخالفم (۳)، مخالفم (۲)، بسیار مخالفم (۱). سه سؤال به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (سؤالات ۲، ۵ و ۱۲).

در آزمون سیمپسون، روایی درونی آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای سبک‌های دلبستگی اجتنابی، ایمن و دوسوگرا، ضرایب ۰/۷۹، ۰/۵۱ و ۰/۵۹

1. Simpson  
2. Likert



می‌باشد. متغیر ترتیب تولد با یک سوال (فرزند چندم خانواده هستند؟) در ابتدای پرسشنامه سنجیده می‌شود.

به منظور انتخاب نمونه کنترل مردان و زنان سالم از پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ)<sup>۱</sup> ۲۸ سؤالی که برای اولین بار توسط گلدبرگ در سال ۱۹۷۲ تنظیم و به طور وسیعی به منظور تشخیص اختلالات خفیف روانی در موقعیت‌های مختلف بکار می‌رود، استفاده شده است. این پرسشنامه دارای فرمهای مختلفی است که به منظور استفاده حداقل به ۳۶ زبان ترجمه شده است. بسیاری از محققین تصریح کردند: که این پرسشنامه هم دارای استفاده بالینی و هم در جامعه کاربرد دارد.

روش نمره گذاری طیف لیکرت، متداول ترین روش نمره گذاری برای GHQ، از این قرار است: در این روش به هر پاسخ از راست به چپ صفر، یک، دو یا سه تعلق می‌گیرد. خط برش در این پرسشنامه ۲۳ می‌باشد، یعنی هر چه نمره آزمودنی در این پرسشنامه بالاتر از ۲۳ باشد از لحاظ سلامت روان در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و هر چه پایین تر از ۲۳ باشد، از نظر سلامت روانی در شرایط خوبی قرار دارد (قنبری، ۱۳۸۶).

گلدبرگ (۱۹۹۰) روایی و پایایی پرسشنامه GHQ را به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۳ گزارش نموده است (به نقل از نجات، ۱۳۸۵).

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده علاوه بر آمار توصیفی و ارائه فراوانی، درصد و درصد تراکمی متغیرهای موجود، از آزمون یومان ویتنی و آزمون خی دو استفاده شده است.

### نتایج

قبل از آزمون اولین سؤال، در جدول شماره (۱) اطلاعات توصیفی ترتیب تولد مصرف کنندگان مواد مخدر مرد و در جدول شماره (۲) اطلاعات توصیفی ترتیب تولد مصرف

1. General Health Questionnaire



کنندگان مواد مخدر زن آورده شده است. همان گونه که در جدول شماره (۱) آمده است ۶۶/۷ درصد مردان، فرزند وسط<sup>۱</sup> خانواده و ۲۵ درصد فرزند اول خانواده بوده‌اند و در بین زنان ۷۷/۵ درصد فرزند وسط، ۱۲/۵ درصد فرزند اول و ۱۰ درصد فرزند آخر خانواده بوده‌اند.

جدول ۱. فراوانی و درصد ترتیب تولد در بین مصرف کنندگان مواد مخدر (مرد)

ترتیب تولد	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
فرزند اول	۱۵	۲۵/۰۰	۲۵/۰
فرزند آخر	۵	۸/۳	۳۳/۳
فرزند وسط	۴۰	۶۶/۷	۱۰۰/۰۰
جمع کل	۶۰	۱۰۰	

جدول ۲. فراوانی و درصد ترتیب تولد در بین مصرف کنندگان مواد مخدر (زن)

ترتیب تولد	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
فرزند اول	۵	۱۲/۵	۱۲/۵
فرزند آخر	۴	۱۰/۰	۲۲/۵
فرزند وسط	۳۱	۷۷/۵	۱۰۰/۰۰
جمع کل	۴۰	۱۰۰	

در پاسخ به فرضیه اول که ترتیب تولد در گرایش به مواد مخدر تأثیرگذار است. اطلاعات ترتیب تولد مصرف کنندگان مواد مخدر زن و مرد در جدول شماره (۳) آورده شده‌اند که بر طبق اطلاعات مندرج ۷۱٪ مراجعه کنندگان به کلینیک‌های ترک اعتیاد فرزند وسط، ۲۰ درصد فرزند اول و ۹ درصد فرزند آخر خانواده بوده‌اند. تک فرزندان هیچ درصدی از نمونه را به خود اختصاص نداده‌اند.

۱- در صورتی که افراد فرزند اول، آخر و تک فرزند نباشند، فرزند وسط در نظر گرفته شده‌اند.



جدول ۳. فراوانی و درصد ترتیب تولد در بین مصرف کنندگان مواد مخدر (زن و مرد)

ترتیب تولد	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
فرزند اول	۲۰	۲۰/۰۰	۲۰/۰۰
فرزند آخر	۹	۹/۰۰	۲۹/۰۰
فرزند وسط	۷۱	۷۱/۰۰	۱۰۰/۰۰
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	

در پاسخ به فرضیه شماره (۲ و ۳) که سبک دلبستگی نایمن اجتنابی از عوامل تأثیرگذار در گرایش به مواد مخدر است و سبک دلبستگی نایمن و دوسوگرا از عوامل تأثیرگذار در گرایش به مواد مخدر است. در جدول شماره (۴) اطلاعات توصیفی سبک‌های دلبستگی مصرف کنندگان مواد مخدر مرد آمده است. همانطوری که در جدول نشان داده شده، ۴۶/۷ درصد آنان دارای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی، ۳۸/۳ درصد آنان دارای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا و ۱۵ درصد سبک دلبستگی ایمن بودند.

جدول ۴. فراوانی، درصد و درصد تراکمی سبک‌های دلبستگی مصرف کنندگان مواد

مخدر (مرد)

سبک دلبستگی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
ایمن	۹	۱۵/۰۰	۱۵/۰۰
نایمن اجتنابی	۲۸	۴۶/۷۰	۶۱/۷۰
نایمن دوسوگرا	۲۳	۳۸/۳۰	۱۰۰/۰۰
کل	۶۰	۱۰۰	

در جدول شماره (۵) اطلاعات توصیفی سبک‌های دلبستگی مصرف کنندگان مواد مخدر زن آورده شده است و طبق اطلاعات مندرج در جدول، ۵۰ درصد آنان دارای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی، ۳۲/۵ درصد دارای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا و ۱۷/۵ درصد سبک دلبستگی ایمن می‌باشند.



جدول ۵. فراوانی، درصد و درصد تراکمی سبک‌های دلبستگی در بین مصرف‌کنندگان مواد

مخدر (زن)

سبک دلبستگی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
ایمن	۷	۱۷/۵	۱۷/۵
ناایمن اجتنابی	۲۰	۵۰/۰۰	۶۷/۵
ناایمن دوسوگرا	۱۳	۳۲/۵	۱۰۰
جمع کل	۴۰	۱۰۰	

به منظور معنی‌دار بودن تفاوت‌های فراوانی بین سبک‌های دلبستگی از آزمون خی‌دو استفاده شده است که در جداول (۶ و ۷) نمایش داده شده‌اند. تفاوت‌های سبک‌های دلبستگی در بین مصرف‌کنندگان مرد در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنی‌دار و در بین مصرف‌کنندگان زن در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشند.

جدول ۶. آزمون خی‌دو فراوانی سبک‌های دلبستگی در بین مصرف‌کنندگان مواد مخدر (مرد)

سبک دلبستگی	O	E	Residual
ایمن	۹	۲۰	-۱۱/۰
ناایمن اجتنابی	۲۸	۲۰	۸/۰
ناایمن دوسوگرا	۳۶	۲۰	۳/۰
جمع	۶۰		

Chi-square = ۹/۷۰۰      df= ۲      sig= ۰/۰۰۸

جدول ۷. آزمون خی‌دو فراوانی سبک‌های دلبستگی در بین مصرف‌کنندگان مواد مخدر (زن)

سبک دلبستگی	O	E	Residual
ایمن	۷	۱۳/۳	-۶/۳
ناایمن اجتنابی	۲۰	۱۳/۳	۶/۷
ناایمن دوسوگرا	۱۳	۱۳/۳	۰/۳
جمع	۴۰		

Chi-square = ۶/۳۵      df= ۲      sig= ۰/۰۴





در جداول (۸ و ۹) به ترتیب اطلاعات توصیفی سبک‌های دلبستگی در بین افراد سالم مرد و زن آمده است. همانطوری که جدول شماره (۸) نشان می‌دهد ۷۳/۳۳ درصد مردان سالم دارای سبک دلبستگی ایمن، ۲۰ درصد سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و ۶/۶۶ درصد سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا داشتند و به همین ترتیب اطلاعات جدول (۹) بیان می‌کنند که ۶۵ درصد زنان سالم سبک دلبستگی ایمن، ۲۵ درصد سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و ۱۰ درصد سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا داشتند.

جدول ۸. فراوانی، درصد و درصد تراکمی سبک‌های دلبستگی در بین افراد سالم (مرد)

سبک دلبستگی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
ایمن	۴۴	۷۳/۳۳	۷۳/۳۳
نایمن اجتنابی	۱۲	۲۰	۹۳/۳۳
نایمن دوسوگرا	۴	۶/۶۶	۱۰۰
جمع کل	۶۰	۱۰۰	

جدول ۹. فراوانی، درصد و درصد تراکمی سبک‌های دلبستگی در بین افراد سالم (زن)

سبک دلبستگی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
ایمن	۲۶	۶۵/۰۰	۶۵/۰۰
نایمن اجتنابی	۱۰	۲۵/۰۰	۹۰/۰۰
نایمن دوسوگرا	۴	۱۰/۰۰	۱۰۰
جمع کل	۴۰	۱۰۰	

به منظور معنی‌داری تفاوت فراوانی بین سبک‌های دلبستگی در افراد سالم از آزمون خی‌دو استفاده شده است. که در جداول (۱۰ و ۱۱) نمایش داده شده‌اند. تفاوت‌های موجود در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنی‌دار است.



جدول ۱۰. آزمون خی دو فراوانی سبکهای دل بستگی در بین افراد سالم (مرد)

Residual	E	O	سبک دل بستگی
۲۴/۰	۲۰/۰	۴۴	ایمن
-۸/۰	۲۰/۰	۱۲	ناایمن اجتنابی
-۱۶/۰	۲۰/۰	۴	ناایمن دوسوگرا
		۶۰	جمع

جدول ۱۱. آزمون خی دو فراوانی سبکهای دل بستگی در بین افراد سالم (زن)

Residual	E	O	سبک دل بستگی
۱۲/۷	۱۳/۳	۲۶	ایمن
-۳/۳	۱۳/۳	۱۰	ناایمن اجتنابی
-۹/۳	۱۳/۳	۴	ناایمن دوسوگرا
		۴۰	جمع

جهت بررسی فرضیه شماره (۴) که بین سبک‌های دل بستگی مصرف کنندگان مواد مخدر زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد.

سبک‌های دل بستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا را به ترتیب شماره‌های ۱، ۲، ۳ شماره گذاری نموده و با استفاده از آزمون یومان ویتنی به بررسی تفاوت بین سبک‌های دل بستگی مصرف کنندگان زن و مرد پرداخته شده است. همانطور که جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد، با توجه به P-value برابر ۰/۵۴۹ که بزرگتر از آلفای ۰/۰۱ و ۰/۰۵ است بنابراین آزمون در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد و تفاوتی بین سبک‌های دل بستگی زنان و مردان مصرف کننده مواد مخدر وجود ندارد.

جدول ۱۲. آزمون بررسی تفاوت بین سبک‌های دل بستگی مصرف کنندگان مواد مخدر زن و مرد

مجموع طبقات	میانگین طبقه	فراوانی	جنس
۳۱۰۸/۰۰	۵۱/۸۰	۶۰	مرد
۱۹۴۲/۰۰	۴۸/۵۵	۴۰	زن
		۱۰۰	جمع کل



سبک دل بستگی	آزمون
۱۱۲۲/۰۰	آزمون یومان ویتنی
۱۹۴۲	آزمون ویلکاکسون
-۰/۵۹۹	Z
۰/۵۴۹	Sig (دوطرفه)

به جهت آزمون فرضیه شماره (۵) که بین سبک‌های دل بستگی مردان و زنان سالم تفاوت معنی داری وجود دارد. در جدول شماره (۱۳) به بررسی این تفاوت پرداخته شده است و همانطور که در جدول قابل مشاهده است از آنجایی که P-value برابر ۰/۳۶۳ و بزرگتر از ۰/۰۱ و ۰/۰۵ باشد پس تفاوت معنی دار نمی باشد.

جدول ۱۳. آزمون بررسی تفاوت بین سبک‌های دل بستگی مردان و زنان سالم

جنس	فراوانی	میانگین طبقه	مجموع طبقات
مرد	۶۰	۴۸/۷۷	۲۹۲۹/۰۰
زن	۴۰	۵۳/۱۰	۲۱۲۴/۰۰

سبک دل بستگی	آزمون
۱۰۹۶/۰۰	آزمون یومان ویتنی
۲۹۲۶/۰۰	آزمون ویلکاکسون
-۰/۹۱۰	Z
۰/۳۶۳	Sig (دوطرفه)

به منظور آزمون فرضیه شماره (۶) که بین سبک‌های دل بستگی مصرف کنندگان مواد مخدر و افراد سالم تفاوت معناداری وجود دارد. با استفاده از آزمون یومان ویتنی این فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است و مشاهدات در جدول شماره (۱۴) آورده شده‌اند. طبق اطلاعات جدول P-value برابر ۰/۰۰ و تفاوت بین سبک‌های دل بستگی افراد سالم و مصرف کنندگان مواد مخدر در سطح آلفای ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است.



جدول ۱۴. آزمون بررسی تفاوت بین سبک‌های دلبستگی مصرف‌کنندگان مواد مخدر و افراد

## سالم

مجموع طبقات	درصد	فراوانی	گروه	سبک دلبستگی
۷۱۶۴/۰۰	۷۱/۶۴	۱۰۰	مصرف‌کنندگان مواد مخدر	
۱۲۹۵۴/۰۰	۱۲۹/۵۴	۱۰۰	افراد سالم	

سبک دلبستگی	آزمون
۲۰۹۶/۰۰۰	آزمون یومان ویتنی
۷۱۶۴/۰۰۰	آزمون ویلکاکسون
-۷/۶۲	Z
۰/۰۰۰	Sig (دوطرفه)

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در خصوص نقش ترتیب تولد در گرایش به مواد مخدر نشان داد که در بین مصرف‌کنندگان مواد مخدر مرد ۶۶/۷ درصد، مصرف‌کنندگان زن ۷۷/۵ درصد و به طور کلی ۷۱ درصد مصرف‌کنندگان فرزند وسط خانواده می‌باشند و بیانگر این موضوع است که فرزندان وسط بیشتر از فرزندان اول، آخر و تک فرزندان گرایش به مواد مخدر دارند. از سویی طبق گفته هریس (۲۰۰۶) از آنجائیکه فرزندان وسط افرادی هستند که شعار آنها آرامش به هر قیمتی است، احساس سلطه‌گری ندارند، دوست دارند همه آنها را ستایش کنند و سعی در راضی نگه داشتن دیگران دارند. می‌توان گفت این صفات زمینه‌ساز جذب شدن به دوستان، تسلیم شدن در برابر فشارهای دیگران و گرایش به مواد مخدر می‌باشند. ضمن اینکه در پژوهش خانم سودابه سعیدی (۱۳۷۸) که به بررسی رابطه خودپنداره و ترتیب تولد پرداخته است، فرزندان وسط نسبت به اول و آخر از خودپنداره منفی برخوردار می‌باشند. نکته قابل توجه پژوهش، گرایش بیشتر به مواد مخدر در بین فرزندان اول نسبت به آخر و عدم گرایش به مواد مخدر در بین تک فرزندان است و می‌توان گفت واقعیت‌نگر و مسئولیت‌پذیر بودن و سرسختی (هریس، ۲۰۰۶) و نیز توجه بیشتر خانواده از جمله امتیازات



تک فرزندان می‌باشد که همانند مانعی بر گرایش آنان به مصرف مواد مخدر است. البته نباید فراموش کنیم که محیط، سبک تربیتی والدین، شرایط اقتصادی اجتماعی جامعه، تأثیر همسالان همه عواملی هستند که ویژگی‌های شخصیتی افراد را متأثر می‌سازند.

در خصوص تأثیر گذاری سبک دلبستگی نتایج پژوهش گویای این مسئله می‌باشد که در بین دو جنس مصرف کننده مواد مخدر، سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا بیشترین سبک دلبستگی افراد مراجعه کننده به کلینیک‌های ترک اعتیاد می‌باشند و از طرفی سبک دلبستگی نایمن اجتنابی نسبت به نایمن دوسوگرا به میزانی درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که سبک دلبستگی غالب افراد سالم، دلبستگی ایمن می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و سپس نایمن دوسوگرا سبک دلبستگی غالب مصرف کنندگان مواد مخدر است. ضمن اینکه یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش محبوبه وفائیان (۱۳۸۵) که نشان داده افراد دارای سبک دلبستگی نایمن از مهارت‌های اجتماعی کمتری برخوردارند و پژوهش ساره بهزادی پور (۱۳۸۴) که افراد دارای سبک دلبستگی نایمن، نگرانی بیشتری در خصوص وزن خود دارند و نیز پژوهش پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی دانشجویان، که سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا نسبت به دلبستگی ایمن با مؤلفه‌های تمایز و بازسازی هیجانی رابطه معکوس دارند، هماهنگ می‌باشد. در پایان بررسی تفاوت سبک‌های دلبستگی در بین مصرف کنندگان زن و مرد و همچنین افراد سالم زن و مرد نشان داد که تفاوتی میان سبک دلبستگی زن و مرد چه در بین مصرف کنندگان مواد مخدر و چه افراد سالم مشاهده نمی‌شود، بنابراین جنسیت نقشی در شکل‌گیری سبک دلبستگی نداشته، اما در بررسی معناداری تفاوت سبک‌های دلبستگی در بین مصرف کنندگان مواد مخدر و افراد سالم، تفاوت بین آنها معنادار است، به این معنی که افراد سالم نسبت به مصرف کنندگان طبق گفته کوباک و همکاران (۱۹۹۳)، هیجان‌های منفی کمتری نسبت به دیگران و دوستان خود دارند و نزدیکی به دیگران و تکیه به آنان برایشان راحت‌تر است.



### محدودیت‌های پژوهش

- ۱- یکی از کاستی‌های این پژوهش که گسترش یافته‌ها را محدود می‌سازد، حجم کم نمونه خصوصاً زنان مصرف‌کننده می‌باشد.
- ۲- کمبود منبع اطلاعاتی و تحقیقاتی در بعد ترتیب تولد بسیار چشم‌گیر است.
- ۳- عدم تمایل و همکاری بعضی از مراجعه‌کنندگان از دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد.

### پیشنهادات پژوهش

- ۱- پیشنهاد می‌گردد با توجه به کمبود منابع اطلاعاتی در خصوص شکل‌گیری دلبستگی در مراحل مختلف سنی به این مقوله با انجام پژوهش بنیادی پرداخته شود.
- ۲- به منظور تعمیم یافته‌ها پیشنهاد می‌شود که پژوهش در بعد گسترده‌تری از زنان و مردان مصرف‌کننده مواد مخدر و در مناطق مختلفی اجرا شود.
- ۳- با توجه به استفاده کاربردی از یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که مشاوران خانواده، روان‌شناسان و درمانگران نقش ارتباطات خانوادگی در درمان و پیشگیری از مصرف مواد مخدر را مدنظر داشته باشند.



## منابع فارسی

- بخشی، ابراهیم؛ تیموری، سعید. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین سبکهای دلبستگی با ویژگیهای شخصیتی. چکیده مقالات همایش منطقه ای بهداشت روان و جوان، کاشمر.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۷۹). بررسی رابطه سبکهای دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین نابارور، فصلنامه تازه‌های روان درمانی، ش (۱۹ و ۲۰).
- بهزادی پور، ساره. (۱۳۸۴). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرانیهای مربوط به وزن در دختران نوجوان شهرستان شیراز. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- جانسون، سوزان ام؛ ویفن، والدی ای. (۲۰۰۷). فرایندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانوادگی. ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران (۱۳۸۷)، تهران: نشر دانژه.
- رمضانی، ولی‌اله؛ شمس اسفند آباد، حسن؛ طهماسبی، شهرام. (۱۳۸۶). بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان، پژوهش در سلامت روان شناختی، دانشگاه تربیت معلم تهران، قطب علمی روان‌شناسی/استرس، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۶.
- سعیدی، سودابه. (۱۳۷۸). رابطه بین خودپنداره و تربیت تولد در بین دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه ریاضی و تجربی نظام جدید در سال تحصیلی ۷۸-۷۷. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- قربانی، نیما. (۱۳۸۲). روان درمانی‌گری پیشی کوتاه مدت، تهران: سمت.
- قنبری، زهرا. (۱۳۸۶). اثربخشی رویکرد معنادرمانی به شیوه گروهی برای ارتقاء سلامت روان زنان آسیب دیده در زلزله زرنند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات
- مظاهری، محمدعلی. (۱۳۷۹). الگوهای دلبستگی کودکان پیش دبستانی، مجله روان‌شناسی، (۴).
- مظاهری، محمدعلی. (۱۳۷۷). الگوهای دلبستگی نوزادان ایرانی، مجله روان‌شناسی، (۲).
- نجات، حمید. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر مسائل اجتماعی بر میزان سلامت روان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (دانشگاه آزاد اسلامی).
- وفائیان، محبوبه. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبکهای دلبستگی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی شهر یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.



### منابع لاتین

- Ainsworth, w. (1989). *Attachments beyond infancy*. American psychologist, 44, 709-716.
- Belmont, M., & Marolla, F.A. (1973). *Birth order, family size and intelligence*. Science 182: 1096-1101. doi: 10.1126/Science. 182.4117.1096. Retrieved from <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/4750607>
- Harris, Judith Rich. (2006). *No Two Alike: Human Nature and Human Individuality* (PP.107-112)
- Pines, M.A. (2005). *Falling in love (why we choose the loves we choose)*. New York and hove: Rutledge.
- Shaver, P. & Mikulincer, M.. (2005). Attachment Theory and research: Resurrection of the Psychodynamic Approach To personality. *Journal of Research in Personality*, 39,22-45.
- Sulloway, F.J. (2001). *Birth order, sibling Competition, and human Behavior*. In Paul S. Davies and Harmon R.Holcomb, (Eds.), *Conceptual challenges in Evolutionary psychology: Innovative Research strategies*. Dordrecht and Boston: kluwer Academic Publishers. PP.39-38. Full text (<http://www.sulloway.org/Holcomb.Pdf>).